

پدیده‌ای که پیامدهای سودمندی برای کارفرمایان دارد

موج «بیکاری هراسی» در جامعه

فردی که شغلی دارد دائماً در هراس از دست دادن آن است و این هراس پیامدهای سودمندی برای سرمایه‌داران و مسئولان حاکم دارد. از طریق کار کردن این هراس است که دستمزدها کنترل می‌شود و با این روش دستمزدها فرادهمیشه پایین نگه داشته می‌شود، هیچ اعتراضی هم اتفاق نمی‌افتد. حتی ممکن است افراد ماه‌ها هیچ دستمزدی دریافت نکنند، وجود نیروی فراوان کار پشت درهای بسته که باعث «بیکاری هراسی» است مانع می‌شود افراد اعتراض کنند و ترجیح می‌دهند همین حداقل را هم از دست ندهند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

وضعیت اخلاقی جامعه ما چگونه است؟ تحول اخلاقی در یک جامعه باید دو ویژگی داشته باشد، اول این که آمار آسیب‌های اجتماعی به لحاظ کمی، کاهش یابد و دوم از عمق بی‌اخلاقی‌ها به لحاظ کیفی، کاسته شود. آیدار جامعه امروز ما شاهد این دو تغییر هستیم؟ از بعد کمی، شاهد سیر صعودی آمار مرتبط با انحرافات و بد اخلاقی‌های اجتماعی هستیم. از بعد کیفی، امروز در جامعه ما ناهنجاری‌ها به هنجار تبدیل شده‌اند، یعنی پرده‌ری راحت شده، افراد، گاه‌ریان و به‌وضوح مرتکب جرم می‌شوند. چه به لحاظ کمی و چه کیفی مادر جامعه‌مان دچار سقوط و بحران اخلاقی هستیم! امروز ما با معضل مصرف علنی مواد مخدر در محلات و پارک‌ها و تریق مواد مواجهیم. و این یعنی هنجار شدن یک ناهنجاری، دزدی مقالات علمی در جامعه علنی شده، تقلب در پایان‌نامه‌نویسی به یک عرف تبدیل شده، بدون رشوه دادن و رشوه گرفتن، تقریباً هیچ کاری انجام نمی‌شود. کسی که آشنا یا رابطه یا واسطه‌ای نداشته باشد نمی‌تواند کاری پیدا کند، نمی‌تواند وامی بگیرد، نمی‌تواند از هیچ کدام از مزایا و حقوق شهروندی‌اش استفاده بکند.

حسن شیخ رضایی، عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه معتقد است: «نخستین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد این است که بین اخلاقی بودن و داشتن دانش اخلاقی تمایز وجود دارد. لزوماً بالا بودن سطح دانش اخلاقی به معنی اخلاقی بودن نیست. در یک جامعه وقتی از کلمه اخلاق استفاده می‌شود چه مسائلی به ذهن می‌رسد و منظور از بی‌اخلاقی در جامعه‌ما چیست؟

در ادبیات فارسی آثار بسیاری مثل گلستان سعدی داریم که می‌توان براساس آنها تصور عمومی جامعه ایران از اخلاق را دریافت. در باب اخلاق در گلستان آمده «فرب دشمن مخور و غرور مداح مخر که این دام رزق نهاده

است و آن دامن طمع گشاده، احقر را ستایش خوش آید چون لاشه که در کعبش دمی فربه‌نماید». در این حکایت وقتی از اخلاق صحبت می‌شود مسئله «فردی» است. یعنی خصوصیاتی که یک فرد باید داشته باشد و کمتر به رابطه فرد با دیگری اشاره می‌شود. در چنین ادبیاتی، اخلاق عمدتاً فضیلت‌های اخلاقی را شامل می‌شود. هدف از داشتن فضیلت اخلاقی هم بقا در یک جامعه ناامن است. اخلاقی که در تاریخ ادبیات ایران ترسیم می‌شود ارتباطی با تصمیم‌گیری ندارد به شخصیت مربوط است. از طرف دیگر ایده‌آل اخلاقی یک فرد «درویش» است. به همین دلیل است که امروز تصور عمومی جامعه‌ما از فرد اخلاقی، یک فرد وارسته است. این وارستگی و اخلاق با تقوی همپوشانی دارد. اخلاق ترسیم‌شده در تاریخ ادبیات ما سقف بالایی دارد و حداکثری است و در نهایت مهم‌ترین رسانه برای آموزش مدرن مربوط به تصمیم‌گیری است نه مسائل صرفاً فردی و شخصیتی. یعنی ما نیازمندیم در تصمیمات خود دقت کنیم که آیا بعد اخلاقی لحاظ می‌شود یا نه و این موضوع چندان به خلق و خوی شخصی وابسته نیست بلکه به کنش مربوط است نه فرد».

شیخ رضایی در ادامه تأکید می‌کند: تصورات امروزی جامعه ما از اخلاق، پاسخگوی اخلاق در دنیای جدید نیست. وقتی ما یک فرد با اخلاق را فردی غیر نازحت، کم‌دردر، بدون مسئله و با وقار بدانیم، اخلاق محیط زیست، اخلاق

«بیکاری هراسی» مدتی است جامعه‌ما را فرا گرفته است. هنگامی که به تیرهای تلویزیون و رادیو خبرهای تلویزیونی توجه می‌کنیم، غیر ممکن است فردی بیکار و یا افرادی را که از محل کار خود اخراج شده‌اند مشاهده نکنیم.

پزشکی، اخلاق حرفه‌ای و... را چگونه معنا می‌کنیم؟! یعنی وقتی اخلاق را به عنوان یک مسئله فردی و شخصیتی و مرتبط با خلق و خوی درون شخصی می‌دانیم، چگونه اخلاق فضای مجازی را در کمی کنیم؟! تصور مبتنی بر تاریخ ادبیات ما از اخلاق با ترکیبات امروزی مثل فضای مجازی چفت نمی‌شود. ما تصور مدرن از اخلاق نداریم. این تصور مدرن مربوط به تصمیم‌گیری است نه مسائل صرفاً فردی و شخصیتی. یعنی ما نیازمندیم در تصمیمات خود دقت کنیم که آیا بعد اخلاقی لحاظ می‌شود یا نه و این موضوع چندان به خلق و خوی شخصی وابسته نیست بلکه به کنش مربوط است نه فرد».

بیکاری هراسی و کالای شدن کار اول باید درباره یک مفهوم صحبت کنیم؛ «هراس اخلاقی» که این روزها

به شدت دامنگیر مردم و جامعه ما شده است. هنگامی که هراس توسط بخشی از جامعه احساس می‌شود و یا جامعه‌نگران تهدید و آسیبی است، جامعه‌شناسان از آن به عنوان «هراس اخلاقی» یاد می‌کنند. هراس یعنی ایجاد یاب‌انگیزختن نگرانی اجتماعی بر سر یک موضوع از سوی سرمایه‌گذاران اخلاقی در رسانه‌ها و یا پاسخ غیر عقلانی و نامتناسب به یک تهدید که با اغراق در شدت تهدیدها همراه است. هراس اخلاقی مهمی که مدتی است جامعه‌ما را فرا گرفته و وحشتی در دل مردم جامعه ایجاد کرده، «بیکاری هراسی» است. هنگامی که به تیرهای روزنامه‌ها، خبرهای تلویزیونی و رادیو، تبلیغات و فیلم‌های تلویزیونی توجه می‌کنیم، غیر ممکن است فردی بیکار و یا افرادی را که از محل کار خود اخراج شده‌اند مشاهده نکنیم. روزنامه‌ها هر روز از تعدیل نیروی کار خانه‌ها و شرکت‌ها خبر می‌دهند، و رسانه‌ها افزایش بیکاری در جامعه را فریاد می‌زنند. بیکاری هراسی در میان همه اقشار جامعه دیده می‌شود و شاید بتوان گفت به وجود آورنده اصلی این نگرانی‌ها در میان مردم، سیاستمداران هستند.

سیاستمداران این هراس‌ها را در رسانه‌ها به وجود آورده و جامعه‌ها هر لحظه بیشتر به آن دامن می‌زند. همیشه در مترو، تاکسی‌ها و اغلب مکان‌های عمومی سخن از بیکاری و اخراج افراد از محل کار خود را می‌شنویم.

علیرضا صدقی، جامعه‌شناس در رابطه با همین مضمون، چنین می‌گوید: «هراس از بیکاری تبعات زیادی در جامعه دارد. در این حالت است که کار انسان که یک ناگالاست، در نظم موجود تبدیل به کالا می‌شود. در این وضعیت است که کالانگاری به وجود می‌آید. این کالانگاری کار انسان تبعاتی ناگوار بسیاری دارد؛ در این شرایط فرد کار خود را می‌فروشد و در ازای آن دستمزد می‌گیرد. اما فرد همیشه در هراس است که نتواند کار کالایی شده خود را بفروشد. فردی که نتواند کار خود را بفروشد در تولید سرمایه دچار مشکل شده است و رابطه‌اش با سرمایه قطع می‌شود و دستمزدی دریافت نمی‌کند و در زندگی خصوصی خود دچار مشکل و حتی از خانواده خود طرد می‌شود. در این شرایط جامعه‌فرد را تنبل و بی‌عرضه می‌داند که حتی قادر نیست خرج خود را در آورد. جامعه دیگر قادر به هضم کردن این فرد نیست و او به مرور به حاشیه رانده می‌شود».

صدقی نتیجه چنین عملکردی را چنین بیان می‌کند: «مردم از ترس این که به حاشیه رانده شوند به هر زحمتی که هست سعی می‌کنند شغل خود را حفظ کنند. فردی که شغلی دارد دائماً در هراس از دست دادن کارش است و این هراس پیامدهای سودمندی برای سرمایه‌داران و مسئولان حاکم

مسئولان عمدتاً رسانه‌ها را عامل ایجاد ترس و تداوم و پایداری آن می‌دانند. از این منظر است که حذف رسانه در دستور کار آنان قرار می‌گیرد؛ اما باید متوجه باشیم که با حذف یا فیلتر یک رسانه، هراس را نه فقط از بین نمی‌برند که آن را تشدید هم می‌کنند

دارد. از طریق کار کردن این هراس است که دستمزدها کنترل می‌شود و با این روش دستمزدها فرادهمیشه پایین نگه داشته می‌شود، هیچ اعتراضی هم اتفاق نمی‌افتد، چرا که امکان از دست دادن کار و به حاشیه رانده شدن همیشه وجود دارد. حتی ممکن است افراد ماه‌ها هیچ دستمزدی دریافت نکنند، اما وجود نیروی فراوان کار پشت درهای بسته که باعث بیکاری هراسی می‌شود مانع از آن می‌شود که افراد اعتراض کنند و ترجیح می‌دهند همین حداقل را هم از دست ندهند».

صدقی با نگرانی ادامه می‌دهد: «هراس اخلاقی عنصر بسیار سختی است که در اساس یک تغییر اجتماعی است و پیش از آن که به عنوان انحراف دیده شود موضوع وحشت است که معمولاً پدیده‌ای جدید است و به‌طور ناگهانی به موضوع هراس تبدیل می‌شود و توجه جامعه و رسانه را به خود جلب می‌کند. هراس اخلاقی در یک بیان احساس تشدید در مورد مسئله‌ای است که به نظر می‌رسد نظم اجتماعی را تهدید می‌کند. هراس اخلاقی در مجادلات شامل بحث‌ها و تنش‌های اجتماعی است و پیش از آن که به عنوان انحراف دیده شود موضوع وحشت است و در آن اختلاف نظر بسیار دشوار است زیرا بعضی سوزه‌ها در مرکز آن تابوست».

رسانه‌ها و هراس اخلاقی رسانه‌ها به مدت طولانی به عنوان عوامل هراس اخلاقی عمل می‌کنند. نقش رسانه‌ها در جامعه ارائه اطلاعات است، هر چند این نقش به عنوان ارائه دهنده اطلاعات و نفوذ هراس اخلاقی هم عمل می‌کند. فراگیری موضوع هراس اخلاقی در جوامع در پایه‌ای‌ترین سطح خود ناشی از نگرانی‌های عمومی در مورد یک مسئله خاص است؛ با پذیرش این اصل، نقطه تمرکز بر رسانه‌ها قرار می‌گیرد. چرا عمدتاً رسانه‌ها عامل ایجاد ترس و تداوم و پایداری آن می‌دانند. از این منظر است که حذف رسانه در دستور کار قرار می‌گیرد. شناخت هر چه بیشتر و بهتر پدیده هراس اخلاقی می‌تواند زمینه‌ساز تبیین برخی رفتارها نزد صاحبان قدرت باشد. آن‌ها باید متوجه باشند که با حذف یا فیلتر یک رسانه، هراس را نه فقط از بین نمی‌برند که آن را تشدید هم می‌کنند».

دل‌شان زنده می‌شود. آن‌ها نیز به این صف می‌پیوندند. ۳. استفاده از پنجره فرصت: پنجره فرصت یعنی این که همزمان سه مولفه در یک زمان به هم برسند. ممکن است که هر کدام از این‌ها در برهه‌ای از زمان وجود داشته باشند اما این که یک‌باره کنار هم قرار بگیرند امر دیگری است. این سه مولفه چیست؟ (الف) تبدیل شدن موضوع به یک مساله ملی و مهم، (ب) وجود راه حل‌های عملی (ج) آمادگی سیاسی (اراده صاحبان قدرت). خط شکنی پیش‌آهنگان و شبکه‌سازی باعث می‌شود که احتمال وقوع پنجره فرصت افزایش پیدا کند. ما می‌توانیم شرایط را تغییر دهیم، تجربه تاریخی نشان داده است که می‌توانیم. هر چند گاهی اوقات خیلی طول می‌کشد. اما چاره‌ای جز جنگیدن و صبوری نداریم. این سخن منتسب به گابریل گارسیا مارکر، فعال سیاسی و برنده جایزه نوبل را بارها بار باید بخوانیم: «باید دنیا را کمی بهتر از آن چه تحویل گرفته‌ای، تحویل دهی؛ خواه با فرزند زنی خوب، خواه با باغچه‌ای سرسبز، خواه با اندکی بهبود شرایط اجتماعی، و این که بدانی، اگر حتی فقط یک نفر با بودن تو ساده‌تر نفس کشیده است، یعنی تو موفق بوده‌ای...»

از گوشه و کنار

سالی ۲۰ هزار خانواده بی سرپرست می‌شوند



معاون امور مشارکت‌های سازمان بهزیستی با خطاب قرار دادن سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای خیریه می‌گوید: مگر کار خیر پذیرفتن بخشی از مسئولیت اجتماعی نیست؟ اما کدام موسسات خیریه این موضوع را که سالانه ۲۰ هزار کشته از تصادفات رانندگی می‌دهیم مطالبه عمومی خود قرار داده‌اند؟ ایران خودرو و سایپا ۲۰ هزار کشته تحویل می‌دهند و نتیجه آن خانواده‌هایی بی‌سرپرست و فرزندان بدون پدر است. کج‌ادیده شده ایران خودرو و سایپا مرکز برای معلولان یا یتیم‌خانه احداث کرده است؟ با توجه به این که سالی ۸۰ هزار نفر آسیب دیده و مجروحان تصادفات هستند. کوزه‌گر گفت: موسسات باید در اتاق شیشه‌ای باشند. برخی موسسات خیریه که بزرگ می‌شوند موسسات کوچک را می‌بلعند. در حالی که ما می‌خواهیم کار خیر در فضاهای کوچک نیز انجام شود.

او با اشاره به این که تغییر مدیران در دوران کوتاه مدت باعث مشکل می‌شود افزود: این موضوع باعث می‌شود قوانین پایدار بماند. انتقاد خیرین از دولت‌ها خودش معضل است و معضل بزرگ‌تر بی‌اعتمادی مردم به حکومت است. باید تلاش کنیم این بی‌اعتمادی کاهش پیدا کند. بی‌اعتمادی مردم به نهادهای دولت و حکومت چرخ‌های ایجاد می‌کند که دولت نیز به مردم و موسسات بی‌اعتماد می‌شود و برای مثال نهادهای نظارتی ایجاد می‌کند. مثل اتفاقی که در زلزله کرمانشاه رخ داد و عده‌ای اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کردند و آن‌ها را به دادگاه بردند. این ناشی از بی‌اعتمادی دولت به مردم است.

کارشکنی در کاهش ساعت کار بانوان



با وجود گذشت ۲ سال از اجرای قانون کاهش ساعت کار بانوان دارای شرایط خاص، هم‌چنان برخی دستگاه‌ها با کارفرمایان بخش خصوصی در اجرای این قانون برای کارکنان غیررسمی، پیمانی و قراردادی کارشکنی می‌کنند.

قانون کاهش ساعات کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص مصوب مجلس شورای اسلامی آذرماه سال ۱۳۹۵ برای اجرا از سوی رئیس‌جمهور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. بر اساس ماده واحده این قانون، ساعات کار هفتگی بانوان شاغل اعم از «رسمی»، «پیمانی» و «قراردادی» که موظف به ۴۴ ساعت کار در هفته هستند به شرط داشتن شرایط خاصی که در قانون به آن اشاره شده است، ۳۶ ساعت در هفته با دریافت حقوق و مزایای همان ۴۴ ساعت تعیین شد. بر اساس شرایطی که در این قانون عنوان شده، بانوان شاغل «دارای معلولیت شدید»، «فرزند زیر ۶ سال تمام»، «همسر یا فرزند معلول شدید»، «مبتلا به بیماری صعب‌العلاج» یا «زن سرپرست خانوار شاغل» در دستگاه‌های اجرایی و بخش غیردولتی اعم از مشمولان قانون کار و قانون تأمین اجتماعی، مشمول این قانون حمایتی می‌شوند. البته برای اثبات هر بانوان شغالی که یکی از شرایط مذکور را دارا هستند تأیید سازمان بهزیستی کشور یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا دادگستری مورد نیاز است. با این حال با وجود گذشت یک سال از زمان ابلاغ قانون کاهش ساعت کار بانوان دارای شرایط خاص، هم‌چنان برخی دستگاه‌ها و شرکت‌ها در اجرای این قانون کارشکنی می‌کنند. بر این اساس، لازم است معاونت حقوقی یا معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری هر چه سریع‌تر تع نسبت به رفع ابهامات یا اصلاح قانون اقدام کنند.